



## سرمقاله

### ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی برای یک پژوهشگر عرصه فقه

طلاب مستعد و جوانی که در مجلاتی همچون رسائل، تبّعات فقهی و حقوقی خود را به خامه‌ی قلم درمی‌آورند به مثابه پژوهشگرانی نو قلم‌اند که سعی کرده‌اند مسأله علمی خود را از طریق رجوع به منابع و آثار گرانسنگ فقها و اصولیین، تحت راهنمایی اساتید به راه حل برسانند. برای هر تازه‌وارد این مسیر، چه‌بسا، یک سؤال اساسی مطرح باشد که آیا استعداد و قابلیت ورود به چنین عرصه‌ای را دارند؟ و اینکه مقدمات و شرایط ورود به چنین عرصه سترگی چیست و آیا هر کسی می‌تواند در عرصه تحقیق و پژوهش فقهی گام نهد؟ حرکت در مسیر تحقیق و تبّع فقهی، علاوه بر توان علمی و مهارت و ملکه استنباط، به دو نوع مقدمه دیگر نیاز دارد: «ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و اخلاقی» و «شیوه تحصیل». این دو مقدمه،

تحقیق و پژوهش در فقه را از سایر حوزه‌ها و عرصه‌های علمی متمایز می‌سازد. آنچه اصولیین در بحث اجتهاد و تقلید ذیل عنوان مقدمات یا شرایط اجتهاد مطرح کرده‌اند، منبعی برای پاسخ به این پرسش است که می‌توان آن را به کمک سایر منابع علمی معتبر، روزآمد ساخت.

مرحوم وحید بهبهانی(ره) در کتاب الفوائد الحائریه، برای رسیدن به مقام اجتهاد و استنباط فقهی، علاوه بر شرایط علمی و معرفتی، شرطی دیگر و قابلیت ویژه به نام «القوه القدسیه» را برشمرده، از آن به «اصل الشرايط» تعبیر کرده است. استدلال ایشان برای اینکه چرا این قوه را اصل و ریشه‌ی سایر شروط دانسته، این است که نافع بودن همه علوم و مهارت‌ها، متوقف بر وجود این ویژگی و قابلیت در درون فرد است.

از نگاه مرحوم وحید بهبهانی(ره)، ایجاد این قوه قدسیه در وجود محقق عرصه فقه، منوط به وجود چند ویژگی کلیدی در شخصیت و روحیات فرد است. ویژگی‌های مورد نظر ایشان را می‌توان در دو دسته، طبقه‌بندی نمود:

### **الف. روش تحصیل**

از نظر این شخصیت وحید در علم اصول، یک دانش پژوه فقه باید نکات زیر را به هنگام تحصیل رعایت نماید(وحید بهبهانی، الفوائد الحائریه ۳۳۷-۳۴۱):

۱. قبل از ورود به عرصه فقه، در علومى چون کلام و ریاضی و نحو عمیق نشده<sup>۱</sup> نباشد، زیرا این علوم از حیث روش با فقه تفاوت دارند و شیوه فقهی او را به سبب انس ذهنی با این علوم، خراب می‌کند. دقت نماید که این انس ذهنی، فهم فقهی او را با شیوه علم کلام و سایر علوم عقلی، مخلوط نسازد.

۲. انس به تاویل بردن و توجیه آیات و روایات نداشته باشد و نفس خود را به تکثیر احتمالات در توجیه آیات و روایات عادت ندهد که ممکن است ذهن را فاسد نماید.

### **ب: ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی**

از نظر صاحب الفوائد الحائریه، هر طلبه‌ای که در مسیر تحقیق و پژوهش فقهی گام نهد، برای

---

۱. أن لا يكون مدة عمره متوغلًا في الكلام، أو الریاضی، أو النحو

رسیدن به مقام تحلیل و استنباط، بایست ویژگی‌های زیر را در درون خود داشته باشد و یا آن‌ها را در خود ایجاد نماید(همان):

۱. اعوجاج سلیقه نداشته باشد. مثلاً زود تقلید نکند و بواسطه غفلت، شبهات او را به اعجاب و اندارند. راه حل این که ببیند آیا دچار اعوجاج سلیقه هست یا نه، این است که خود را بر فهم و اجتهاد فقها عرضه نماید و اگر تعارضی مشاهده کرد، خود را متهم سازد. مراقب باشد که شیطان به او اینگونه القاء نکند که موافقت با فقها، تقلید از آنهاست و تقلید هم که فضیلتی ندارد و انسان اگر بخواهد مجتهد فاضلی بشود، چاره‌ای جز «مخالفت کردن» ندارد!

۲. بحاث نباشد. میل و علاقه‌اش نسبت به بحث و اعتراض به این اندازه نباشد که به محض شنیدن یک مطلب، میل و اشتیهای اعتراض به آن را داشته باشد؛ حال فرقی ندارد که میل او به اعتراض، ناشی از حبّ به اظهار فضل باشد یا ناشی از مرض قلبی او که مانند کلب عقور به دیگران حمله می‌کند.

۳. لجباز و عنود نباشد. اگر نظری ارائه نمود و بعد متوجه شد که غفلت نموده و یا اینکه به شبهه افتاده است، لجبازی و مکابره ننماید و سعی کند نظر حق را بپذیرد.

۴. به هنگام قصور علم، استبداد رأی نداشته باشد. بداند که در هر علم و صنعتی، باید جدیت و تلاش بخرج دهد تا در آن صاحب‌رأی شود. چنانکه گفته‌اند: «من طلب شیئا و جدّ وجد» (نهج الفصاحه ۶۲۲). اینگونه نباشد که اگر کلام فقها و مجتهدین را درک نکرد، شروع به طعن زدن به این بزرگان کند و هر آنچه را نفهمد، انکار نماید و بگوید: اینها این سخنان را از کجا آورده‌اند؟

چنانکه در خصوص خود مرحوم وحید بهبهانی گفته شده است ایشان، با اینکه دانشمندی بزرگ و مجتهد و مرجع تقلید بود، در اواخر عمر به تدریس لمعه، که از متون درسی سطح پایین حوزه است، اکتفا نمود. از ایشان پرسیدند، چگونه به این مقام علمی و عزت و مقبولیت رسیده‌ای؟ در جواب می‌نویسد: که ابدأ خود را صاحب مقامی نمی‌دانم و در ردیف علمای موجود به شمار نمی‌آورم و اگر هم توفیقی باشد از این است که هیچ‌گاه از تعظیم و بزرگداشت علما و نام آنان را به نیکی بردن، خودداری ننمودم.

۵. حدّت ذهن زائد نداشته باشد. بگونه‌ای که نسبت به هیچ‌گونه مطلب علمی، «جزم» پیدا

نکند و دائماً به موشکافی امور دقیقه پردازد و از حدود حق تجاوز نماید. همان صفت رذیله‌ای که علمای اخلاق آن را «جُرْبُزَه» دانسته‌اند (نراقی، جامع السعادات ۱: ۱۰۰).

۶. دیرفهم نباشد به گونه‌ای که به دقایق و مشکلات متفطن نشود. اینگونه نباشد که هر آنچه می‌شنود قبول کند و با هر سخنی همراه شود. بلکه حاذق و فطن باشد و حق را از باطل تمییز دهد. با هر فرعی مواجه شد، سعی کند بفهمد که این فرع از کدام اصل اخذ شده است و آنچه را در اصول فقه فراگرفته، در آیات و روایات و سایر ادله جاری نماید.

۷. در فتوا دادن پرجرات نباشد. مانند اطبایی که در حرفه خود پرجرات اند و بر خلاف طبیبان اهل احتیاط، جان بیماران زیادی را گرفته‌اند! در احتیاط کردن هم زیاده‌روی نکند که احتیاط هم فقه او را خراب می‌کند. چرا که کسی که در احتیاط کردن افراط می‌کند، فقهی در او دیده نمی‌شود نه در مقام عمل خود و نه در مقام فتوا برای دیگران.

سردبیر



---

۱. أن لا یکون بلیدا لا یتفطن بالمشکلات و الدقائق. فیومی در مصباح المنیر «بلید» را به «غیر ذکی و لافطن» معنا کرده است.